

راهکارهای اجتماعی مقابله با مفسد اقتصادی با تأکید بر سیره علوی

امینه یوسفی *

چکیده

از آنجایی که فساد مالی، از عوامل گوناگونی ناشی می‌شود و یک سیاست خاص می‌تواند آن را تشدید یا تضعیف کند. بنابراین برای ریشه‌کنی آن به برنامه‌ای همه‌جانبه نیاز است تا همگان (از بالاترین سطح تا عامه مردم) به رعایت و انجام آن ملزم باشند. لذا نوشتار حاضر در پی آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی به بیان راهکارهای مؤثر در مقابله با مفسد اقتصادی در اسلام با تأکید بر سیره علوی برآید.

مطالعات انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد مکتب اقتصادی اسلام این ویژگی را دارد که در عین توجه به ارزش‌های اخلاقی در زمینه‌های اقتصادی، بهترین راه‌حل مشکلات اقتصادی را در چارچوب تعالیم حیاتبخش خود ارائه دهد و از فقر و اختلاف طبقاتی و تجمع ثروت در دست عده‌ای خاص پیشگیری نماید. بدین ترتیب، طرح اقتصاد اسلامی دو پیامد مهم به دنبال دارد: اول آنکه بشریت را از بزرگترین رنج تاریخی که اندوه

* . کارشناس ارشد فقه و حقوق، سطح 3 تفسیر و علوم قرآن؛ a.yousefi6267@gmail.com

بار معیشت و غصه تأمین معاش و مایحتاج زندگی است، می‌رهاند. دوم آنکه او را از عوارض شوم فقر که پیامدهای آن، سوءاخلاق و فساد و فحشاء و حتی کفر و بی‌دینی است، مصونیت می‌بخشد و آدمی را به علو مقام انسانی که در خور منزلت و کرامت الهی اوست نائل می‌سازد. در این راستا بهره‌گیری از سیره علوی به عنوان الگوی سازنده در عملی‌سازی این راهکارها می‌تواند راهگشا باشد.

کلیدواژگان: سیره علوی، اقتصاد اسلامی، مفاسد اقتصادی، راهکارهای اجتماعی

مقدمه

اسلام طرفدار تقویت بنیة اقتصادی است، اما نه به عنوان اینکه اقتصاد خود هدف و یا تنها هدف باشد، بلکه اهداف اسلامی، بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نخواهد بود. در آموزه‌های اسلامی، اقتصاد یکی از ارکان حیات اجتماعی است، لذا به خاطر یک رکن به سایر ارکان ضربه و لطمه نمی‌سازد.

خطوط کلی اقتصاد اسلامی بر پایه قسط و عدل است که راسم همه خطوط دینی است. بدین جهت هم از افراط مبتلایان به انبوه مال می‌کاهد تا به دام کِظَه و شکمبارگی و اسراف و طغیان و شخّ و ولع و آز نیفتند، هم تفریط گرفتاران به اندوه فقر مالی را کاهش می‌دهد تا گرفتار سَعَب و سختی و گرسنگی و برهنگی و زبونی و دریوزگی نشوند.

با افزایش روزافزون فساد اقتصادی در سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات کشورهای مختلف جهان، بررسی عوامل این امر و راهکارها و روش‌های مبارزه با آن، امری ضروری به نظر می‌رسد. مبارزه با مفاسد اقتصادی تنها برخورد پلیسی، قضایی و یا امنیتی نیست، بلکه لازمه آن، فراهم آوردن عوامل پیشگیری از فساد است که متأسفانه برنامه‌ریزی مطلوبی بر روی آن صورت نگرفته است. ایجاد امنیت اقتصادی، تضادی با مبارزه با مفاسد

اقتصادی ندارد. مبارزه با مفسد اقتصادی تنها به معنی مجازات نیست؛ چرا که مجازات تنها شکل اولیه و ابتدایی مبارزه است. شیوه صحیح مبارزه با مفسد اقتصادی آن است که همه جوانب در نظر گرفته شود تا ناهنجاری با کمترین هزینه و همراه با رشد و ترقی زمینه پیشرفت همراه شود. لذا در جامعه اسلامی که حکومتی اسلامی آن را اداره می‌کند، برنامه‌ای جامع با در نظر گرفتن تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی بشر، به ارائه راهکارهای مناسب در جهت مبارزه با مفسد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد. استخراج این راهکارها از آموزه‌های اسلامی و تدوین برنامه‌ها بر اساس این مبانی، به دلیل جامع بودن و عملیاتی بودن، می‌تواند موجب نیل به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشورهای اسلامی گردد. از اینرو نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی مبانی مفسد اقتصادی، به ارائه راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر سیره حضرت علی (ع) بپردازد.

فساد اقتصادی و علل آن

فساد یعنی «عمل یا تصمیمی که موجب شود تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عملی یا تصمیمی از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر شود». در فساد، امور از اصالت و جایگاه خود دور می‌شوند و اصلاح آن‌ها سخت می‌گردد. امروزه فساد مالی یکی از مشکلات اساسی در جوامع بشری است و جلوه‌های گوناگونی چون رشوه، اختلاس، تقلب، سوءاستفاده از موقعیت، امتیازخواهی، برداشت‌های نابجای مالی و به ظاهر قانونی و رانت‌خواری پیدا کرده است (سیدباقری، 1390: 135).

فساد مالی همزاد با تشکیل حکومت همواره در جوامع مطرح بوده است؛ یعنی از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و مفسد مالی نیز شکل گرفته و همواره برای جامعه و عموم مردم تهدیدی جدی

بوده و هست (اسحاقی، 1390 ب: 118). فساد مالی، پدیده‌ای پیچیده، چندبُعدی و دارای علل و عوامل چندگانه است که در اوضاع مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی می‌یابد. علل بسیاری را می‌توان در شکل‌گیری و شیوع مفاسد مالی برشمرد، اما همهٔ این علل و عوامل را در قالب سه علت عمده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌توان دسته‌بندی کرد. به‌طور قطع اگر فرهنگ جامعه در زمینه پیشگیری و مقابله جدی با معضل فساد مالی دچار ضعف باشد، این عارضه رشدی سرطانی یافته، پایه‌های جامعه را تهدید خواهد کرد. از طرفی، انگیزهٔ رفتار آلوده به فساد، زمانی پدیدار می‌شود که مقام‌های سیاسی به‌رغم داشتن اختیارات بسیار، مسئولیت‌چندانی در برابر اعمال خود نداشته و پاسخگو نباشند و جو سیاست‌زده حاکم نیز این امر را تشدید نماید. مسائل، مشکلات و عوامل اقتصادی نیز ممکن است باعث بروز و شیوع پدیده فساد مالی شود. این علل از مشکلات اقتصادی کلان تا مسائل کم‌اهمیت‌تر را شامل می‌شود (همان، 124). امیرمؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ خُلِعَتْ لُجْمُهَا، فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ؛ هَشِيَارٌ بَاشِيْدٌ، خَطَاكَارِيْهَا چَوْنَ اسْبَانَ سِرْكَش وَ چَمُوْشِيْ هَسْتَنْدِ كِه خَطَاكَارَانَ بَرِ اَنِّهَا سَوَارِ شَدِه، عَنَانَ گَشَادِه مِي تَا زَنْد تَا سَوَارِ خُود رَا بِه اَآتَشِ دِر اَنْدَا زَنْد» (نهج البلاغه، کلام 16).

راهکارهای اجتماعی مقابله با مفاسد اقتصادی

عوامل بازدارنده اجتماعی، اهرم و ضمانت‌های کنترل بیرونی هستند که شامل وظایف مردم، دولت و حکومت اسلامی در جامعه می‌شود و در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

1- مسئولیت‌پذیری

انسان از منظرهای مختلف دارای ارتباط با غیر خود می‌باشد. این ارتباط شامل خداوند، خانواده، افراد اجتماع و محیط زیست می‌باشد که نسبت به هریک دارای مسئولیت بوده و وظیفه‌ای برعهده دارد. رشد و کمال انسان چه از لحاظ روحی و فردی و چه از لحاظ اجتماعی به مسئولیت‌پذیری او ارتباط دارد؛ زیرا اهتمام افراد نسبت به اداره و مدیریت

امور و واکنش مسئولانه نسبت به پدیده‌های پیرامون خویش، رشد اخلاقی و انسانی را در بر خواهد داشت و همچنین به لحاظ افزایش رفاه اجتماعی و تسکین روانی افراد جامعه، فوق‌العاده تأثیرگذار خواهد بود.

بزرگترین و مهمترین بار گرانی که بر دوش بشر قرار گرفته و از روز نخست تا آخرین لحظه حیات، او را تحت مراقبت شدید قرار داده، حسّ مسئولیتی است که در نهاد او به ودیعت گذارده شده و خواه ناخواه، او را هشدار می‌دهد که در مقابل آنچه به دست آورده‌ای و نیز نسبت به آنچه از دست داده‌ای، در دو بُعد مادی و معنوی، باید پاسخگو باشی؛ چنانکه امام علی(ع) می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». همه در مقابل رویدادهای جهان به نسبت توان خود، مسئولیت دارید و روزی از شما بازخواست می‌شود و باید جواب کرده خود را بازگویید و نتیجه آن را دریابید (سعید، 1367: 5). همچنین امیرمؤمنان علی(ع) در این باره می‌فرماید: «برای هر یک از خدمتگزارانت، کاری مشخص معین کن که او را در قبال آن مسئول بدانی، زیرا این کار سبب می‌شود که کارها را به یکدیگر وانگذارند و در انجام امور سستی نکنند» (نهج البلاغه، نامه 31).

هر کس در هر جایگاه حکومتی و مدیریتی قرار گیرد، مسئولیتی پذیرفته و بدان متعهد خواهد بود و این مسئولیت‌پذیری و تعهددهی به خداوند است و جای هیچ کوتاهی و سستی و بی‌تدبیری در آن نیست (دلشاد تهرانی، 1388: 170). از این رو علی(ع) بر صداقت و راستگویی خود تأکید کرده و حساسیت این مهم را نزد آنان یادآور شده و می‌فرماید: «پیمان من بدانچه می‌گویم در گرو است و به درستی گفتارم متعهد و متکلم ... به خدا سوگند هرگز به اندازه سر سوزنی حقیقت را پنهان نداشته‌ام و هیچ‌گونه دروغی نگفته‌ام» (نهج البلاغه، خطبه 16).

مسئولیت‌ها و اموال عمومی در نگاه دینی، امانت‌هایی هستند که به دست افراد سپرده می‌شوند و طبیعی است گشاده‌دستی در مصرف آن، مصداق خیانت نیز خواهد بود و حاکم اسلامی باید مسئولی را که مرتکب چنین خیانتی می‌شود، حتی اگر به ظاهر اندک هم باشد، به سختی مجازات نماید. کسی که در جامعه اسلامی مدیریتی می‌پذیرد، حتی در استفاده از اموال خود نیز باید میانه‌روی کند؛ چه رسد به استفاده از اموال عمومی (اسماعیلی، 1388: 96).

در این باره گفتار و کردار امیرمؤمنان (ع) چنان آشکار و مشهور است که برای هیچ کس عذری باقی نمی‌گذارد. از خاموش کردن چراغ بیت‌المال به هنگام دیدار غیراداری گرفته تا آنجا که به فرمانداران خویش دستور می‌دهد: «قلم‌های خود را ریز سر کنید، سطرها را نزدیک به هم بنویسید، هیچ چیز زیادی ننویسید، مقصود را هر چه فشرده‌تر بنگارید، مبدا زیاده‌روی (اسراف) کنید؛ زیرا اموال مسلمانان (اموال عمومی جامعه) نمی‌تواند کمترین زیانی را تحمل کند» (ابن بابویه، 1414ق: 310).

عملکرد امیرمؤمنان علی (ع) به گونه‌ای بود که عذری برای احدی باقی نمی‌گذاشت. با کوشش فوق‌العاده، بیشترین استفاده ممکن را به جامعه ارزانی می‌داشت و در عین حال، کمترین بهره‌برداری از ثروت عمومی را بر بودجه تحمیل می‌کرد. انذار بسیار حضرت (ع) به والیان در پرهیز از دنیا و اتصاف به قناعت و زهد، همه حاکی از اهمیت این مسئله است (رشاد، 1382: 196 / 7).

2- جلوگیری از تداخل مسئولیت‌ها و وظایف

از اموری که سبب پریشانی برنامه‌ها و آسیب جدی به نظم امور از جمله امور اقتصادی می‌شود، تداخل مسئولیت‌ها و وظایف است؛ بدین معنا که هر یک از مسئولان امور در حیطة دیگری دخالت کنند و از حیطة خود غافل گردند و یا به جای آنکه به وظایف مشخص خود همت گمارند، متوجه اموری دیگر باشند. موضع قاطع و شدید امیرمؤمنان

علی (ع) در این خصوص نشانگر اهمیت این مسئله است چراکه پیامدهای این تداخلها می‌تواند بسیار ویرانگر باشد. در زمانی که سپاهیان غارتگر معاویه به مناطق تحت حاکمیت امیرمؤمنان علی (ع) حمله می‌کردند، کمیل بن زیاد فرماندار امام (ع) به جای آنکه در «هیت» در برابر دشمن بایستد و حوزه کارگزاری خود را حفظ کند، از آن منطقه خارج شد و به «قرقیسیا» که تحت فرماندهی معاویه بود حمله برد و در واقع مسئولیت خود را رها کرد و به کاری پرداخت که در حوزه وظایفش نبود. از اینرو امام (ع) نامه‌ای بدو نوشت که جنبه توبیخ داشت و او را از این‌گونه امور به شدت پرهیز داد (دلشاد تهرانی، 1379: 282) و فرمود: «اما بعد، واگذارند آدمی آنچه را به عهده دارد و عهده‌دار شدن وی کاری را که دیگری باید گزارد، ناتوانی‌ای است آشکار و اندیشه‌ای تباه و نابکار. دلیری تو در غارت مردم قرقیسیا و رهاکردن مرزهایی که تو را بر آن گماردیم و کسی در آنجا نیست که آن را بپاید، و سپاه دشمن را از آن دور نماید، رأی خطاست و اندیشه‌ای نارسا» (نهج البلاغه، نامه 61).

3- شفاف‌سازی فعالیت‌ها و مسائل حکومتی

شفاف‌سازی مسائل در حکومت و مدیریت از جمله کلیدی‌ترین سیاست‌هاست؛ زیرا به طور عمده تباهی و خلافتکاری آنجا پیدا می‌شود و رشد می‌کند و برپا می‌ماند که امور و مسائل از دید مردم و اداره شوندگان پنهان بماند. لذا برای مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز باید شفافیت مالی در همه جهات - از پرداخت مالیات مردم گرفته تا حقوق دریافتی مسئولان - داشت تا زمینه گسترش جرایم اقتصادی در جامعه از بین برود. در بسیاری از کشورها، فقدان قوانین و مقررات و فرایندهای شفاف، بستر مساعدی برای فساد را فراهم می‌سازد. در این کشورها، قوانین و مقررات غالباً نارسا و مبهم است و متن و محتوای آنها به سادگی در دسترس همگان نیست (اسحاقی، 1390 الف: 277).

هرگونه ابهام و تاریکی در وظایف و مأموریت‌ها موجب اختلال در کارها، رفتارها و برنامه‌ها می‌شود و جز براساس وظایف و مأموریت‌های روشن و برنامه‌ای مدون نمی‌توان به اهداف مطلوب دست یافت و در غیر این‌صورت جز دوری از مقصد و تحمیل هزینه‌های انسانی و مالی و خرابکاری بهره‌ای حاصل نخواهد شد (دلشاد تهرانی، 1388: 74)؛ چنانکه یکی از علل شورش مردم علیه عثمان، سیاست‌های مالی نادرست او بود. لذا حضرت علی(ع) پس از رسیدن به خلافت، تلاش زیادی صرف روشن‌سازی رسالت حاکم، شرایط و وظایف او و نیز ارائه ضوابط صحیح جمع‌آوری مالیات و خراج و به مصرف رساندن آنها نمود (جهانیان، 1384: 48).

امام علی(ع) روش حکومتداری و مدیریت خویش را اینگونه بیان می‌فرماید: «وَللهِ مَا كَتَمْتُ وَ شَمَهُ وَ لَا كَذَبْتُ كَذِبَهُ؛ به خدا سوگند به اندازه سرسوزنی حقیقتی را پنهان نداشته‌ام و هیچ‌گونه دروغی به زبان نیاورده‌ام» (نهج البلاغه، کلام 16).

روشن است که شفاف‌سازی صرفاً به خود قوانین محدود نمی‌شود، بلکه روشن کردن حساب‌های مالی و اطلاع‌رسانی به مردم نیز در این خصوص، گواه شفافیت به‌شمار می‌آید. شفاف‌سازی موجب کارایی حکومت و مدیریت از جهات گوناگون می‌شود؛ از جمله: درستکاری زمامداران و مدیران، اداره سالم امور، مشارکت مردم و اداره‌شوندگان، مشخص شدن سریع تباهی‌ها و خلافت‌کاری‌ها، اصلاح به موقع امور، دستیابی بهینه به اهداف، راه بردن مردم بر حق (دلشاد تهرانی، 1388: 611).

4- نظارت همگانی و حکومتی

دولت باید با ساختار نظارتی مشخص و دقیق بر فعالیت‌های دولتی و غیردولتی، نظارت داشته و افراد خاطی یا گروه‌های فاسد را شناسایی نموده و به نظام قضایی کارآمد و هوشیار تحویل دهد. عموم مردم نیز وظیفه دارند با در نظر داشتن حق و معرفت، بر نهادها و گروه‌های دولتی و غیردولتی نظارت کنند و خود را در این زمینه مسئول بدانند. در این

میان، امر به معروف و نهی از منکر، نقش کلیدی و اساسی دارد؛ چرا که هم در حوزه نظارتی دولتی و هم در حیطة نظارت مردمی، مصداق عملی می‌یابد.

همگان همواره در معرض خطا هستند و به ویژه قدرت، احتمال خطا را بالا می‌برد. از سوی دیگر، انسان آمیزه‌ای از نیازها و غرایز گوناگون است و چنانچه به تقوا و امداد الهی آراسته نباشد، ممکن است از فرصت‌های موجود به شکل نادرست بهره برد و در راه انحراف گام بردارد. انحراف مدیران و مسئولان از مسیر اصلی و قانونی و پرداختن به امیال و گرایش‌های نفسانی، رهاورد عدم نظارت است. از این‌رو، نظام دینی باید بر کارگزارانش نظارت دقیق داشته باشد؛ چنانکه امام علی(ع) مسأله نظارت را بسیار مهم می‌شمرد و کارگزارانش را به دقت زیر نظر داشت (شکراللهی، 1384: 43).

ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌نویسد: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و ناظرانی راستگو و وفاییده بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود» (نهج البلاغه، نامه 53). ایشان بر این باورند که پیش از سپردن کارها به مسئولان، باید از دیانت، راستی و درستی‌شان مطمئن بود و آنها را آزمایش کرد؛ چراکه نظارت و بازرسی دقیق بر فعالیت‌های افراد از عوامل مؤثر در تقویت وجدان کاری کارگزاران نظام اسلامی است.

امام علی(ع)، تأمین نیازهای معیشتی کارگزاران را از راه‌های اساسی رسیدگی و خدمت به مردم دانسته و می‌فرماید: «ارزاق و حقوق کارگزاران را فراون ده که این کار، آنان را به اصلاح خودشان توانا می‌سازد و همچنین آنها را از [طمع] و دست‌درازی به اموالی که در اختیارشان است، بی‌نیاز می‌گرداند و نیز این کار بر آنان حجت و دلیل است [که] اگر فرمانت را به کار نیستند و یا در امانت تو خیانت ورزیدند [و تو آنها را مؤاخذه کردی]، بهانه‌ای نداشته باشند» (همان، نامه 5).

از اینرو با توجه به زمینه تعدی‌ای که در گروه‌ها و سازمان‌های اقتصادی وجود دارد و می‌تواند برای جامعه خطرآفرین و بحران‌ساز باشد، لازم است بر روابط و مناسبات اقتصادی و بازار، نظارتی دقیق صورت گیرد؛ یعنی در عین بسترسازی برای فعالیت‌های اقتصادی و حمایت از آن، نیاز به نظارت جدی بر آنهاست و نمی‌توان نظام بازار را بدون نظارت و کنترل رها کرد (دلشاد تهرانی، 1388: 516).

امام علی (ع) به کارگزارانش در خصوص سرمایه‌داران چنین سفارش می‌کند: «بر کار آنان [بازرگانان] نظارت کن، خواه در حضور تو باشند یا در شهرهای تو. با وجود این بدان که در بسیاری از ایشان، سخت‌گیری در معامله، بخل زشت، احتکار برای سودجویی و زورگویی در فروختن جنس وجود دارد، [با نرخ‌گذاری دلخواه و آزاد] که این همه مایهٔ زیان عموم مردم و ننگ و عیب بر زمامداران است. پس از احتکار جلوگیری کن و هرکس پس از نهی تو باز به احتکار پردازد، بی‌زیاده‌روی تنبیه کن» (نهج البلاغه، نامه 53).

دولت اسلامی نباید به نظارت تنها بر بازار بسنده کند، بلکه گاهی دخالت نیز لازم است. چون افراد گوناگونند و بعضی برای حفظ منافع شخصی خود به اقداماتی دست می‌زنند که جامعه زیان می‌بیند و این امر، نقصی برای حاکم اسلامی است. امیر مؤمنان (ع) قیمت‌های اجحاف‌آمیز برای فروشنده یا خریدار را به طور کلی نفی می‌کرد و وقوع چنین امری را در جامعهٔ اسلامی برای حاکم اسلامی، نقص و ضعف می‌شمرد؛ چرا که اجحاف در قیمت‌ها برای فروشنده یا خریدار خلاف عدالت است (رشاد، 1382: 77/7).

دولت اسلامی بر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی و نظام آن، از جمله نهاد بازار، نظارت دارد و قادر است با وضع قوانین براساس مکتب و نظام اقتصادی اسلام و شرایط خاص خارجی، روند حرکت‌ها را به سمت آرمان‌های اسلامی تسریع نماید. از سوی دیگر، اگر در بازار کاستی‌هایی وجود دارد و بخش غیردولتی از حضور در برخی زمینه‌ها به دلیل نیاز به

سرمایه‌گذاری هنگفت یا سودآوری اندک یا دیرزمان اجتناب می‌ورزند، دولت موظف است خود وارد بازار شود و در آن زمینه‌ها نقص موجود را برطرف سازد (هادوی تهرانی، 1378: 208). امیرالمؤمنین (ع) افزون بر اینکه هر روز یا هر چند روز یکبار به بازارها می‌رفت و بازاریان و تجار را نصیحت کرده و احکام اسلام را برایشان بازگو می‌کرد و دعاوی آنان را حل و فصل می‌نمود، به طور مستمر بر کیفیت خرید و فروش و سطح قیمت‌ها نظارت داشت و در صورت مشاهده هر گونه تخلف و تجاوزی، خود وارد عمل می‌شد و حق مظلوم را می‌ستاند و به یاری ضعیفان می‌شتافت (رشاد، 1382: 519/7).

لذا بر هرکسی که به تجارت و سایر انواع کسب مشغول است، واجب است احکام و مسائل مربوط به آن را یاد بگیرد. از جمله آداب تجارت این است که کاسب و تاجر باید مسائل کسب و تجارت را بداند و معامله صحیح را از فاسد فرق گذارد؛ چنانکه در روایت آمده است «الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتَجَرُّ»؛ یعنی اول فقه را یاد بگیر و سپس تجارت کن. هر تاجری گناهکار است و هر گناهکاری در آتش است، مگر کسی که حق خود را بگیرد و حق دیگری را بدهد (نجفی، 1416ق: 450/22).

با توجه به آنچه گفته شد، روشن می‌شود که نظارت و بازرسی، از جمله اختیارات و وظایف حکومت اسلامی است. پس لازم است افرادی شایسته برای نظارت و بازرسی تعیین شوند که هم آگاه به احکام اسلام درباره بازار باشند و هم متخلّق به اخلاق اسلامی باشند و بتوانند ضمن نصیحت بازاریان و بیان احکام الهی از عهده نظارت و بازرسی برآیند. از سوی دیگر، مناسب است افراد قبل از آنکه برای فعالیت تجاری خود مجوز بگیرند، احکام فقهی ضروری تجارت و بازار را بیاموزند و بدانند تا دچار خسران در دنیا و آخرت نگردند.

5- تقویت تولید و اشتغال

مکتب اقتصادی اسلام به منظور تشویق مردم به افزایش تولید کالاها و خدمات اقتصادی، افزون بر ابزارهای فرهنگی بر فراگیری انواع علوم و فنون و مواردی از این دست تأکید دارد. به دست آوردن قدرت و نیرو به ویژه در حدی که دشمنان خدا به ترس و وحشت بیفتند، با کار و تلاش و تولید کالاها و خدمات (اعم از نظامی و غیرنظامی) صورت می‌پذیرد. امروزه «توان» بیشتر بر توان اقتصادی و دانش فنی استوار است و رشد اقتصادی و دانش فنی جز با توجه به تولید ممکن نیست. از طرفی جنگ نیز منحصر به جنگ نظامی نبوده، بلکه به جنگ اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای نیز تبدیل شده است (عباس‌نژاد، 1384: 331).

پیشوایان اسلام، مسلمانان را به تجارت و صدقات جاریه مانند وقف باغ، مزرعه، مرتع و مانند آن تشویق نموده و کار و تولید را مایه عزت آنان می‌خوانند (جوادی آملی، 1391: 580) و هزینه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری را بر هزینه‌های مصرفی مقدم می‌دارند. به همین دلیل، معصومین (ع) به شدت از فروش زمین، مسکن و باغ و مصرف نمودن پول آن نهی نموده‌اند (عباس‌نژاد، 1384: 334).

تولید از دیدگاه اسلام دارای اهدافی الهی است؛ اعم از:

1- حفظ عزت و بی‌نیازی از فرومایگان.

2- گسترش رفاه معقول و غیرتمندانه برای خانواده.

3- تکریم خویشاوندان و همسایگان.

4- انفاق در راه خدا و رفع نیازهای فردی و اجتماعی.

امام صادق (ع) می‌فرماید: امیرمؤمنان (ع) هزار برده را از حاصل تولید و دسترنج خود آزاد کرد (جوادی آملی، 1391: 581). اقتصاد اسلامی در پی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت است و بدین جهت تأمین امکانات یکسان و متناسب و

ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است (اسماعیلی، 1388: 109).

علی(ع) توسعه اقتصادی جامعه را در گرو توسعه صنعتی و رشد تجارت می‌دانست و به فرمانداران خود درباره کشاورزان، صنعتگران و تجار همواره سفارش می‌کرد؛ چنانکه خطاب به مالک‌اشتر می‌فرماید: «سفارش مرا درباره صاحبان صنایع و بازرگانان بپذیر؛ زیرا آنان پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دوردست و دشوار می‌باشند». همچنین ایشان بر کاهش مالیات زمین کشاورزان تأکید داشتند (ر.ک: نهج البلاغه، نامه 53).

برای تحقق نظام اقتصادی اسلام باید دولتمردان براساس شرایط جغرافیایی و استعدادها و امکانات طبیعی، سرمایه را میان مردم و مناطق گوناگون توزیع کنند تا هرکسی به اندازه استعداد خویش در نوآوری و شکوفایی تولید بکوشد و تمام نیازهای جامعه تأمین گردد و کسی با صدقه زندگی نکند (جوادی آملی، 1378: 17/342).

دولت اسلامی موظف است پیش از آنکه مالیاتی را بر تولیدکنندگان مقرر دارد، به تولید اولویت دهد و زمینه‌ها و منابع تولید را فراهم آورد؛ زیرا گرفتن مالیات، پیش از آبادانی زمین، کشور را ویران می‌کند و مردم را از پای درمی‌آورد (حائری، 1386: 78).

امام علی(ع) می‌فرماید: «در مال راكد [ذخیره شده] زیاده [و رشد] نیست. آن کس که معروف [و نیکی‌های] خود را در مسیر رشد و [افزایش] قرار ندهد، آن را تباه ساخته است» (محمدی ری‌شهری، 1416ق: 6/249). مقصود از تولید در اینجا هر نوع اشتغال به کار مشروع برای تأمین زندگی و پیشرفت اقتصادی فرد و جامعه است و شامل کشاورزی، دامداری، تجارت، صنعت و مانند آنها می‌شود که در آیات و روایات نیز بر آن تأکید شده است.

همچنین امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد ولی آب‌ها را مهار و زمین را اصلاح نکند و از آنها بهره‌برداری نکند و در اثر کم‌کاری یا بدکاری محتاج گردد، از رحمت حق دور باد» (جوادی آملی، 1391: 579).

از عوامل مهم رشد تولید که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد، آباد کردن زمین‌ها و شهرها و تعطیل نگذاشتن اراضی است؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/61). در عهدنامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر نیز یکی از وظایف استاندار را عمران و آبادی شهرهای منطقه مأموریت وی قرار داده و می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَلْبَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ؛ و [آبادان که] باید نگرش تو در آبادانی زمین رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد» (نهج البلاغه، نامه 53).

امیرالمؤمنین (ع)، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «با دست خود بیل می‌زد و زمین را آباد می‌کرد» و با آباد کردن هر زمین، عده‌ای را به کار می‌گرفت و آنگاه زمین دیگر و ... ثمره این تلاش‌ها در اواخر عمر امام (ع) چنانکه از وصیت‌نامه ایشان برمی‌آید، مشغول به کارشدن ده‌ها و بلکه صدها نفر در کشتزارها بود و این همه، تصویر یک کارآفرین بزرگ را از امام به دست می‌دهد (حسینی، 1382: 63).

6- کنترل و اصلاح رفتار کارگزاران

شکی نیست که در اقتصاد اسلامی پس از اصل تولید، هیچ اصلی بالاتر از اصل «توزیع عادلانه» نیست. در مقابل این اصل، سوءاستفاده از بیت‌المال و حیف و میل آن قرار دارد. اگر به راستی در طول تاریخ اسلام، درآمدهای کلانی که از منابع بیت‌المال به دست می‌آمد، درست مصرف می‌شد و سرپرستان بیت‌المال اسلامی، «حفیظ و علیم» بودند، کوچکترین مشکل اقتصادی در قلمرو جوامع اسلامی پدید نمی‌آمد، اما افسوس که زمامداران مغرور و ستمگر هر یک به سهم خود به حیف و میل بیت‌المال پرداختند (نوری همدانی، 1386: 51). سیاستمداران فاسد با دست‌اندازی به منابع عمومی و ثروت جامعه،

به انحراف و اتلاف آن اقدام می‌کنند که این امر، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، کاهش خدمات عمومی، افزایش هزینه‌ها و ... می‌گردد (سیدباقری، 1390: 212).

در دوران حکومت امیر مؤمنان (ع) درآمدهای دولت به طور عمده از ناحیه منابع برون‌زا مانند خراج و جزیه تأمین می‌شد که در مقایسه با درآمدهای مالیاتی درون‌زا، استعداد بیشتری برای شکل‌گیری فساد مالی داشت و وضعیت ناآرام سیاسی و جنگ‌های داخلی و هنجارهای فاسد دوران گذشته نیز این استعداد را تشدید می‌کرد. از اینرو امام (ع)، اصلاح رفتار کارگزاران بیت‌المال را از جمله سیاست‌های اصولی قرار داده بود. قاطعیت ایشان در برخورد با اشعث بن قیس که درآمدهای هنگفتی از بیت‌المال مسلمانان برای خود اندوخته بود و عدم اغماض از پسر عموی خود در ماجرای اختلاس از بیت‌المال بصره و مجازات دیگر کارگزاران خائن، امکان هرگونه سوءاستفاده از بیت‌المال را از کارگزاران گرفته بود (رشاد، 1382: 420/7). چراکه اگر حکومت دینی از کارگزاری شایسته و آراسته به ارزش‌های الهی بهره‌گیرد، در انجام وظایف و مسئولیت‌هایش توفیق می‌یابد. وجود کارمندان و مدیران تهی از ارزش‌های اخلاقی و آلوده به صفات رذیله از آفات نظام دینی به‌شمار می‌آید. مسئولان نظام دینی باید از صفاتی چون عدم تعهد، عدم تخصص، می‌گساری، سوءپیشینه، خیانت‌پیشگی و اتهام یا اشتها به کردار ناشایست پیراسته باشند؛ چراکه هر یک از این صفات، آفت مدیریت بوده و نظام اسلامی را در معرض آسیب قرار می‌دهد (شکراللهی، 1384: 36).

7- مبارزه با رانت‌خواری

رانت‌خواران، افراد حقیقی یا حقوقی‌ای هستند که بدون انجام کار مفید و حتی گاهی با انجام کار مضر به اقتصاد کشور، در ازای پرداخت رشوه یا با پارتی‌بازی به امتیازنامه‌های انحصاری (مانند: دریافت مجوز موردی برای سهمیه‌های وارداتی، صدور کالا، توزیع، خرید و فروش موافقت اصولی واحدهای صنعتی تجاری، فروش اطلاعات مالی، تخصیص ارز ارزان قیمت و اعتبارات بانکی و زمین، قاچاق کالا، قانون‌شکنی و ...) دست می‌یابند (اسحاقی، 1390 الف: 253).

امام علی (ع)، مالک را به شدت از رانت‌خواری اطرافیانش بر حذر داشته و به وی می‌نویسد: «و بدان که والی را خویشاوندان و نزدیکان است و در ایشان خوی برتری‌جویی و گردنکشی است و در معاملات با مردم رعایت انصاف نکنند. ریشه‌ایشان را با قطع موجبات آن صفات قطع کن؛ به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندانت، زمینی را به اقطاع مده» (رشاد، 1382: 17/329).

مبارزه با فساد در ابعاد مختلف سیاسی، اداری و اقتصادی و نیز مبارزه با رانت‌خواری به قاطعیت بدون ملاحظه‌کاری نیاز دارد. تقویت قانون‌گرایی و مهمتر از آن تقویت نظام کنترل و اقتدار قضایی، در خشکاندن ریشه‌ها بسیار مؤثر و ضروری است. در غیر اینصورت، رانت اقتصادی باعث تضعیف انگیزه تولید و کاهش درآمدها خواهد شد و با اشتغال افراد با استعداد به کسب رانت اقتصادی، پیشرفت و رشد تکنولوژی آسیب می‌بیند و بهره‌وری پایین می‌آید (اسحاقی، 1390 الف: 255).

برقراری نظام اطلاع‌رسانی شفاف، کنترل کافی بر حوزه‌های اداری و اقتصادی، فراهم کردن زمینه رقابت آزاد و عادلانه برای صاحبان سرمایه، ریشه‌کن کردن انحصارات، ارائه اعتبارات بانکی به افراد کم‌سرمایه و بازگرداندن رانت‌های واگذار شده پس از تحقیقات لازم و اجرای آن بدون ملاحظه‌کاری سیاسی می‌تواند گامی در جهت ریشه‌کنی چنین پدیده نامبارکی باشد (همان، 129).

8- گسترش عدالت در دستگاه‌های حکومتی

مبارزه همه‌جانبه و همگانی با مفاصد اقتصادی، زمینه‌ساز تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود. هدف رسالت پیامبران و امامان معصوم (ع)، بیان احکام و قوانین الهی و تعلیم و تزکیه برای اقامه عدل و قسط در بین مردم بوده و در آیات فراوانی از قرآن و روایات اهل بیت (ع) به این نکته اشاره شده است. همه مردم در برابر قانون، برابر و یکسانند؛ از اینرو نمی‌توان فرد یا گروهی را بر فرد یا عده‌ای دیگر ترجیح داد و یا قانون را به نفع جناح یا گروه خاصی تفسیر یا تحلیل کرد. تنها ملاک فضیلت و برتری افراد، تقواست. بنابراین، تبعیض در جایی که همه دارای حقوق برابرند، نارواست؛ چنانکه امیرمؤمنان (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «بپرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که [بهره]

همه مردم در آن یکسان است» (نهج البلاغه، نامه 53). امام (ع) در مقابل مخالفانِ حق برابر مقرر شده از طرف خدا می‌ایستاد و لذا به طلحه و زبیر که دو صحابی پیامبر (ص) و از جمله افراد موجهی نزد مردم بودند، فرمود: «اما آنچه گفتید در برابر داشتن همگان [پرداخت یکسان از بیت‌المال به آنان] آن چیزی بود که به رأی خود در آن داوری نکردم و پی هوای خویش نرفتم. من و شما دیدیم رسول خدا (ص) در این باره چه حکمی آورد و چگونه آن را اجرا کرد» (رشاد، 1382: 99/7).

حکومت علی (ع) بر پایه عدالت و احسان بنا شده بود، از اینرو با هر چیزی که مانع و یا مزاحم این حالت محوری بود، شدیداً به مخالفت برمی‌خاست و آن را از میان برمی‌داشت. یکی از اقدامات ایشان در راستای عدالت‌گستری این بود که ناشایستگان را گرچه با تردستی و چاپکی پیشی گرفته بودند، برکنار زد و شایستگان را در رأس امور قرار داد. روشن است که برای حفظ عدالت و نگهداری و صرف عادلانه بیت‌المال، در مرحله اول قطع ایادی خائن و به کار گماردن افراد پاک لازم است (نوری همدانی، 1386: 35).

امام علی (ع)، مساوات را مبنای کار خود در تقسیم بیت‌المال قرار داده بود و هنگامی که او را مورد عتاب قرار دادند که چرا بیت‌المال را به تساوی تقسیم می‌کند، فرمود: «اگر این مال از آن من بود، باز هم آن را به تساوی میانشان تقسیم می‌کردم، پس چگونه چنین نکنم در حالی که مال از آن خداوند است» (نهج البلاغه، خطبه 196).

امروز نیز کسانی که با بیت‌المال مسلمین سروکار دارند باید از مصرف و خرج کردن بیت‌المال در غیر مصارف عمومی و مردمی خودداری کنند. اگر مسئولی چنین نکند و در بیت‌المال اسراف بورزد یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت‌المال خواهد بود و باید بازخواست شود. بیت‌المال مسلمین باید در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخش‌هایی که مسئولیتی بر عهده دارند، مصرف شود. لذا امیرالمؤمنین (ع)، در آن زمان به کسانی که مسئولیت امور کشور را برعهده داشتند، سختگیری را به جایی رساندند که به قول امروز بخشنامه کردند: «أدقُوا أَقْلَامَكُمْ»؛ سر قلم‌های خودتان را

که با آن می‌نویسید، ریز بتراشید؛ یعنی هم صرفه‌جویی در قلم، هم صرفه‌جویی در کاغذ، هم صرفه‌جویی در مرکب (دستی برازجانی، 1388: 32).

به طور خلاصه می‌توان شرایط تحقق عدالت اقتصادی را در قوانین عادلانه، مجریان عادل و عدالت‌گستر و ضمانت اجرایی دانست. امام علی (ع) می‌فرماید: «هرگز امکان ندارد عدالت برقرار گردد، مگر اینکه [نظام استثماری] کم بها دادن [به کار و کالای مردمان] از میان برود» (آمدی تمیمی، 1423ق: 553).

در نظام اقتصادی اسلامی چنان نیست که برای مبارزه با فساد، جلوگیری از استثمار و انحصار و غارت دسترنج دیگران به صورت‌های مختلف، تنها به نصیحت اکتفا شده باشد، بلکه ضمانت‌های اجرایی در نظر گرفته شده است. برای کسانی که در چارچوب شرع قرار نگرفته و عملی خلاف قانون انجام می‌دهند باید مجازات‌هایی در نظر گرفته شود و هیچ تبعیض و کوتاهی در این زمینه نباید صورت گیرد. دین اسلام درباره مجازات مفسدان مالی، حد معینی قرار نداده و آن را جزو تعزیرات دانسته که حکمش بنا به تشخیص زمامدار جامعه است. حاکم اسلامی بنا به اوضاع جامعه و عمق و وسعت خطای افراد می‌تواند برای مبارزه با این مفاسد، مجازات‌های گوناگون سختی را وضع کند. حضرت علی (ع) نیز پس از انجام نظارت‌های گوناگون، خطاکار را به شدیدترین مجازات می‌رساند و به حاکمان خود نیز در این زمینه به صراحت تأکید می‌کرد که با مفسدان مالی برخورد قاطع و صریح داشته باشند. برخورد قاطعانه و شدید با عاملان فساد، باعث عبرت دیگران می‌شود و هیچ فرد یا مسئولی حتی اجازه فکر کردن به ارتکاب چنین اعمالی را به خود نمی‌دهد (اسحاقی، 1390 الف: 134).

نتیجه‌گیری

اسلام، دینی همه‌جانبه و جامع می‌باشد که در همه ابعاد از جمله ابعاد اقتصادی دارای برنامه و قانون است. فساد اقتصادی همانند دیگر مسائل اجتماعی، عوامل مختلفی دارد و برای ریشه‌یابی آن باید به ابعاد مختلف نظام اقتصادی، اداری، حقوقی، سیاسی و اجتماعی توجه کرد. به عبارت دیگر، جرایم اقتصادی هم محصول اراده و خصائص فردی و هم دستاورد ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی و پویای تاریخی

آنهاست. بنابراین با تمهیدات و اقداماتی در جهت تغییر شرایط می‌توان از آنها جلوگیری کرد یا لاقلاً آنها را کاهش داد.

تنظیم برنامه و اجرای راهکار برای پیشگیری، ساده‌تر از زمانی است که فساد، اقتصاد سالم جامعه را تهدید کند و در لایه‌های زیرین اجتماع فراگیر شده باشد. قانون خوب و سنجیده، باید آنگونه باشد که جلوی باندبازی‌های سیاسی، اختلاس‌ها، رانت‌خواری‌ها، رشوه‌گیری‌ها و هزینه نابجای بیت‌المال را بگیرد و اجازه ندهد که سودجویان به دلخواه در سرمایه‌های ملی کشور دست ببرند. امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان نمونه برتر حاکم اسلامی با به‌کارگیری مبانی عملیاتی چون مسئولیت‌پذیری، شفاف‌سازی فعالیت‌ها، کنترل و نظارت همگانی و حکومتی، تقویت تولید و اشتغال، اصلاح رفتار کارگزاران، گسترش عدالت در دستگاه‌های حکومتی، مبارزه با رانت‌خواری به ارائه راهکارهای مقابله با مفساد اجتماعی و اقتصادی پرداختند. باشد که چگونگی بهره‌مندی ایشان از این مبانی، الگوی معرفتی کارگزاران در همه دورانها قرار گیرد.

فهرست منابع

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، تهران: دارالکتب الاسلامی، 1423ق.
4. ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج 1، 1414ق.
5. اسحاقی، حسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم: هاجر، 1390 الف.
6. -----، نقشه راه در جهاد اقتصادی، قم: خادم الرضا (ع)، 1390 ب.
7. اسماعیلی، محسن، بایسته‌های اقتصادی از دیدگاه فقهی و حقوقی، تهران: مؤسسه نشر شهر، 1388.
8. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: اسراء، ج 17، 1378.
9. -----، مفاتیح الحیاه، قم: اسراء، 1391.

10. جهانیان، ناصر، امنیت اقتصادی، تهران: کانون اندیشه جوان، 1384.
11. حائری، محسن، اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی، تهران: بنیاد نهج البلاغه، 1386.
12. حسینی، رضا، سیره اقتصادی امام علی (ع)، تهران: کانون اندیشه جوان، 1382.
13. دشتی برازجانی، عبدالمجید، اصلاح الگوی مصرف در کلام مقام معظم رهبری، قم: آخرین وصی، 1388.
14. دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالت دولت: آئین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران: دریا، 1388.
15. -----، دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)، تهران: دریا، 1379.
16. رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج 7، 1382.
17. سعید، حسن، مسئولیت، تهران: کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع تهران، 1367.
18. سید باقری، کاظم، اصلاح الگوی مصرف (از منظر سیاسی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1390.
19. شکراللهی، مرتضی، آسیب‌شناسی حکومت دینی، تهران: کانون اندیشه جوان، 1384.
20. عباس نژاد، محسن، قرآن و اقتصاد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، 1384.
21. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، ج 6، 1416ق.
22. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام «فی شرح شرائع الاسلام»، دارالکتب الاسلامیه، ج 22، 1416ق.
23. نوری همدانی، حسین، بیت المال در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، 1386.
24. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، 1378.